

یک بام‌ودو هوای کنسرت در شهر حافظ و سعدی

روزی که موسیقیدان‌ها جذامی شدند

حسین بهروزی نیا: کنسرت آموزشی- پژوهشی اصلا مجوز نمی‌خواهد گفتند به حرمت ماه رمضان نمی‌توانید به روی صحنه بروید

علی نامجو- روزنامه شهروند | قصه در دناکی است این بی‌پناهی. همیشه هم لازم نیست ضعیف باشیم تا به دنبال پناهی بگردیم. همه ما به پناه احتیاج داریم. ماجرای تلخ سال‌های اخیر در این آسپاب دیگر برادران و البته «خواهرانش» را رقیابی دید که باید از میدان به درشان کند. در هر حرفه و تخصصی می‌شود این قصه غم‌انگیز و انحصارطلبانه را به وضوح سراغ گرفت. حذف تخته‌های علمی، موسیقی و فرهنگی که شاید امروز حتی نامی هم از آنها باقی نمانده، در این سال‌ها چه تراژدی عجباری برای سرزمین مادریمان به راه انداخته است. در این میان نام حسین بهروزی نیا برای کسانی که موسیقی را به صورت جدی دنبال می‌کنند، غریبه نیست. آهنگساز، ردیف‌دان و نوازنده برجسته سازهای برپ و عود که به واسطه نبوغش در ۱۶ سالگی به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی که



عکس: هاشم عظیمی / شهرنید

شایعه‌ای که دست‌به‌دست در رسانه‌ها چرخید!

بیانید. این سالان در کدام قسمت شهر شیراز قرار داشت؟ چون به آن جا زرقم به صورت دقیق نمی‌دانم. بلیت‌فروشی نداشتیم. من این موضوع را در یکی، دو مصاحبه هم گفتم که بلیت‌فروشی خانواده هنرجویان در کنسرت حاضر شوند و نوازندگان بتوانند اجرا کنند تا تجربه‌ای برای آنها بشود. نمی‌دانم این قضیه تا چه حد درست است یا غلط اما من شنیدم که کنسرت‌ها و اجراهای آموزشی-پژوهشی اصلا مجوز نمی‌خواهند، آن هم برای جمعیتی در حدود ۲۰۰ نفر.

شما قبل از دریافت مجوز بلیت فروخته بودید؟ همان طور که گفتم این کنسرت بنا بود آموزشی-پژوهشی باشد، بنابراین ما اصلا بلیت‌فروشی نداشتیم. من این موضوع را در یکی، دو مصاحبه هم گفتم که بلیت‌فروشی خانواده هنرجویان در کنسرت حاضر شوند و نوازندگان بتوانند اجرا کنند تا تجربه‌ای برای آنها بشود. نمی‌دانم این قضیه تا چه حد درست است یا غلط اما من شنیدم که کنسرت‌ها و اجراهای آموزشی-پژوهشی اصلا مجوز نمی‌خواهند، آن هم برای جمعیتی در حدود ۲۰۰ نفر.

وقتی نمی‌دانی چرا اصلاح نیست

روال بر این است که معمولاً مسئولان ارشاد می‌گویند «اجرای شما مشکلی ندارد می‌توانید این کار را انجام دهید، ولی بروید چند روز قبل از اجرای برنامه بنویسید تا به شما مجوز بدهیم.» گفتند بروید و چند روز قبل از اجرا برای دریافت مجوز به صورت مکتوب بنویسید؟ بله، زمانی که قرار بود از تهران به شیراز بروم، خبرهایی به من رسید که اشکالاتی در اجرای برنامه و دریافت مجوز در حال به وجود آمدن است. به‌رحال من باید به سفر می‌رفتم و کلاس‌هایم را برگزار می‌کردم. وقتی به آن جا رسیدم، پیگیر شدم که بالاخره وضع این اجرا چگونه است. گفتند که «نه می‌گویند صلاح نیست که شما اجرا کنید و دلیل مشخصی هم به ما نمی‌گویند.» من پیگیر

و هنرجویان به مدت دو روز در تاریخ‌های سوم و چهارم خرداد برگزار کنیم. قرار بود که بعد از این دو روز، به اتفاق گروهی که آقای احمدی، سرپرستی‌اش را بر عهده داشت یعنی گروه «رود نوازان» کنسرتی را برگزار کنیم. چون اسم قدیم برپ و عود، رود بوده است، آنها نام «رود نوازان» را برای گروه خود انتخاب کرده‌اند. این گروه قطعات متن را اجرا می‌کردند. از قبل تصمیم گرفته بودیم در روز جمعه که یک روز قبل از شروع ماه رمضان بود، به یک اجرای آموزشی-پژوهشی بپردازیم تا نوازندگان این گروه و افرادی که تازه اجرای موسیقی را شروع کرده‌اند، تشویق شوند. اعضای گروه از قبل رفته و صحبت‌های اولیه را با انجمن موسیقی و دفتر ارشاد انجام داده بودند. ظاهر در ابتدا هیچ مشکلی هم وجود نداشته است.

در بازگشت اخیرتان به ایران، سفری به شیراز داشتید. ظاهراً می‌خواستید کنسرتی را برگزار کنید که این اتفاق رخ نداد. ابتدا در این باره صحبت کنید.

من هر بار که به ایران می‌آیم مسرت کلاس‌هایی را برای هنرمندان و علاقه‌مندان به ساز عود برگزار می‌کنم. یکی از کسانی که همیشه به کلاس‌های من می‌آمد جوانی از داراب شیراز بود که مسافتی ۱۶ ساعته را طی می‌کرد. ایشان که آقای احمدی نام دارند آثار من را می‌نواختند و یک بار هم که در کلاس بودم، کارهای مرا که با گروهشان در استان فارس اجرا کرده بودند، برایم فرستادند. این مسأله باعث شد بیشتر در ارتباط باشیم. در ادامه قرار شد من مسرت کلاس‌هایی را در شیراز برای علاقه‌مندان

آمده‌ام بایستم در کنار این بچه‌ها!

مطمئن می‌شود که می‌خواهی به ایران بیایی و با این شرایط کار و زندگی کنی؟ «می‌گویم «بله، من ایران را با این شرایط و با همه این اوصاف قبول کردم.» می‌دانم کسانی هستند که ناآگاهند و دوست ندارند کاری انجام شود. اینها را می‌دانم، ولی آمده‌ام بایستم و در کنار این بچه‌ها، آن چیزی که بدم را به آنها یاد بدهم.

به‌رحال هنرمند طبع لطیف تری دارد واحساساتی تراست...

اگر کسی که شغل دیگری داشت، به اداره ارشاد می‌آمد و برنامه‌ای داشت و خللی هم در آن وارد می‌شد، شاید زیاد به کسی بر نمی‌خورد، اما هنرمندان دل شکسته می‌شوند. الان به من می‌گویند که «تو

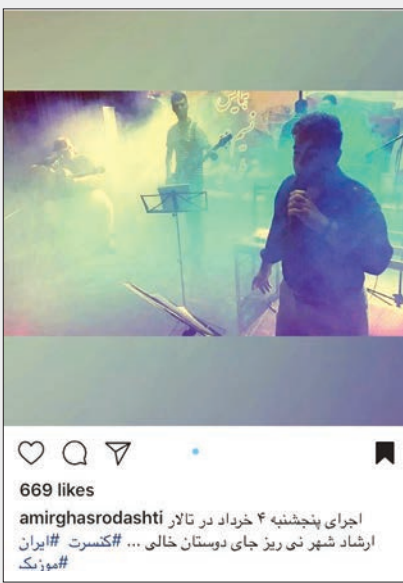
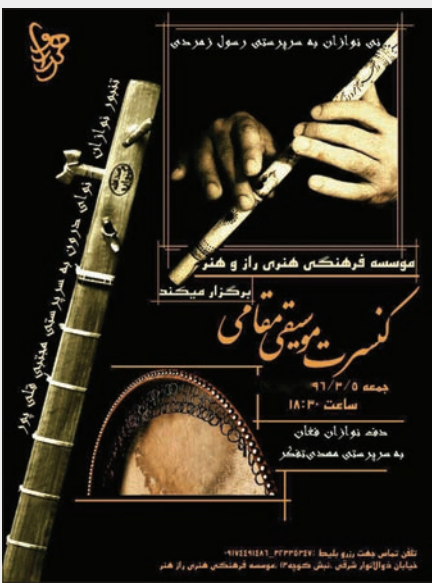
پنجشنبه شب یعنی شب جمعه؟!

پاسخ مسئولان ارشاد شیراز چه بود؟ گفتند که «آخر پنجشنبه می‌شود شب جمعه» شما دلیل را ببینید. شب جمعه مگر چه اشکالی دارد؟ اولاً که روز عازرانی نیست. پنجشنبه شب جمعه است و همه در این مملکت در این شب به همین‌اجرای‌ها می‌روند. سر می‌زنند. اصلاً مردم در روزهای پنجشنبه با جمعه به کنسرت‌های موسیقی می‌روند.

باین حال بادرخواست شما موافقت نکردند؟

من با آقای مریدی صحبت کردم، اما بالاخره کنسرت ما برگزار نشد و من به تهران برگشتم. نکته جالب توجه این جاست که در همان روز جمعه که من برای برگزاری کنسرت تقاضا داده بودم و اینها گفتند که بهتر است به‌خاطر مسائل شرعی اجرائشود، کنسرتی برگزار شد که پوسترش را هم برای من فرستادند.

حمایت‌های بی‌بازگشت



با توجه به اینکه مسال هاست در خارج از کشور مشغول فعالیت هستی می‌خواستیم نگاهی مقایسه‌ای به صدور مجوز در ایران و کانادا یا سایر کشورهایی که در آنها برنامه اجرا کرده‌اید بپردازیم.

ببینید اگر یک نوازنده‌ای بخواهد در خارج از کشور وارد کنسرتی شود، مثلاً فرض کنید که قصد ورود به ارکستر سمفونیک یک شهر را داشته باشد و بگوید من نوازنده ویولن هستم، از آن نوازنده امتحان می‌گیرند تا حدی باشد که بتواند در کنسرت سمفونیک بنشیند و اجرا کند. رقابت هم خیلی بالاست. مثلاً ممکن است که صد نوازنده برای امتحان ساز ویولن شرکت کرده باشند ولی در نهایت یک نفر را انتخاب می‌کنند. این در حالی است که همه شان هم عالی هستند. در آن امتحان ورودی که خیلی هم سخت است، یک یا دو نفر قبول می‌شوند.

دولت در کانادا به‌موزیسین‌ها کمک و سائورتی می‌کنند که برگشت ندارد. به صورت وام هم نیست و این کمک‌های دولتی را برای انواع موسیقی پیش‌بینی می‌کنند. مثلاً فرض کنید نام یک نوع موسیقی را می‌گذارند موسیقی مدرن. هر آهنگسازی که می‌خواهد چیز نویی را ارائه دهد، حتی اگر گوش شنوندگان هم از آن دهنه‌ها چون می‌خواهد کار تجربی انجام دهد، این امکان را به او می‌دهند. آن پول را هم فقط به آن شخص می‌دهند و می‌گویند «تو بیا این کارها را بساز.»

درست در روزی که مجوز اجرای رود نوازان صادر نشد ۲ کنسرت در فضای موسیقی ایرانی و پاپ در استان فارس به روی صحنه رفتند

اهالی موسیقی جذام گرفته‌اند!

می‌کرد که اگر می‌گویند حسین بهروزی نیا می‌آید، این حسین بهروزی نیا اصلاً کیست؟ چه خدماتی کرده است؟ آیا او را فقط به چشم یک نوازنده می‌بینیم یا کسی است که واقعا زحمت کشیده است. انتظار من این بود حالا که به فرودگاه نمانده‌اند، حداقل تسهیلاتی ارائه شود و آقای مریدی خودش را به من نشان دهد. باید نشان می‌دادند که آدم‌هایی فرهنگی هستند. موسیقیدان‌ها جذام ندارند که اینها بخواهند از آنها دوری کنند.

این‌جا بحث تخصص به میان می‌آید. این‌که اساساً کسانی که در واحدهای موسیقی و بخش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حال کار هستند تا چه اندازه با هنر آشنایی دارند. اصلاً دغدغه‌مندیشان، هنر است و آموزش دیده‌اند؟ به قول یکی از هنرمندان عرصه موسیقی اصلا می‌توانند یک خط ن بخوانند؟

نت هم که بلد نباشند، حداقلش این است که اگر یک کارمندی را در بخش موسیقی گذاشتند، او ۲۰، ۳۰ یا ۵۰ هنرمند فعال در زمینه موسیقی را بشناسد. هر کسی را که در یک اداره می‌گذارند باید به او بگویند که شما در این‌جا مسئولیت دارید و باید به آن کارمند، آموزش نسبی بدهند. باید یک امتحانی بگیرند و ببینند اصلا این کاره است و بلد است یا یک هنرمند چگونه صحبت کند؟ طرز صحبت یا یک هنرمند، با کسی که شغل دیگری دارد، متفاوت است.

وقتی شما کار را تا این حد پیش برده بودید واقعا جفا به نظر می‌رسید که این اتساق بیفتد. هم به خانواده نوازندگان جوانی که با ذوق و شوق می‌خواستند اجرا را ببینند، هم به هنرجویان و دوستان شما که سال‌ها کار کرده‌اند و هم طبیعتاً به شما جفا شد...

من الان ۲۰ سال است که در کانادا زندگی می‌کنم. باور کنید ماهی نیست که من از یکی، دو نفر از این جوانانی که علاقه‌مند به یادگیری ساز عود هستند، ایمیل و پیامی نگیرم که «شما چرا به ایران نمی‌آید؟ ما به شما نیاز داریم.» من تصمیم گرفتم با وجود این‌که زندگی خوبی در کانادا دارم، بیشتر منعطف شوم و به ایران بیایم و دوباره خدمتی به جوانان انجام دهم. من در کانادا زندگی خوبی دارم و درآمد خیلی بهتر از این طرف است، ولی تصمیم گرفتم که بیایم، چون احساس وظیفه کردم که بیایم و این کار را انجام دهم. من با یک برنامه‌ریزی از قبل و با یک دلخوشی و دلگرمی می‌آیم تا بتوانم کمکی به این جوان‌ها کنم. این جوان‌ها هر کدام شایسته‌ای هستند و می‌توانند کارهای بزرگ را انجام دهند. اگر هر کدام از اینها «نولو» باشند و دچار اعتیاد یا ناهنجاری‌های دیگر، خوب است؟ من انتظار داشتم آقای مریدی که مدیر ارشاد آن جاست، با دست‌گال به فرودگاه می‌آمد، نه این‌که هنرجوهای من با دست‌گال بیایند. ایشان باید سابقه من را می‌دانست و تحقیق

دل‌نیماد اجرای گروه دیگری را لغو کنند!

نوازندگان و هنرمندان جوان و ناشناخته‌ای هستند و اما من ۴۰ سال است در ایران، کارهایم دارد اجرا می‌شود. این حق ما نبود. شما هم در زمینه نوازندگی، هم در زمینه آهنگسازی و هم تجربه اجرای خارج از ایران کارنامه پربراری دارید. در مورد سابقه کاری خود برای آنها توضیح ندادید؟ غیر از اینهایی که شما به‌درستی به آن اشاره کردید، من ۲۰ سال برای صداوسیما و وزارت ارشاد کار کردم. من جزو کسانی بودم که بعد از دفاع مقدس، جزو بهترین آهنگسازان این دوره شدم و مدال طلا به من دادند. وزارت ارشاد این مملکت به من لوح دکترای موسیقی درجه یک هنری داده است. چطور می‌شود که به من برای کنسرتی ۲۰۰ نفره بگویند اجرا نکن ولی یک گروه دیگری بروند آن‌جا اجرا کند؟

اگر می‌دانستید بهتر نبود اطلاع دهید تا بتوانید اثبات کنید که دلیل‌شان محکم نیست؟ من قبل از اجرا می‌دانستم که این کنسرت قرار است برگزار شود، ولی دلم نیامد که این پوستر را به ارشاد بفرستم و بگویم پس چطور هم‌زمان با ما، این کنسرت مجوز دارد؟ اگر به شیراز رفتید، در مورد اجرای گروه دف‌نوازان و نی‌نوازان بپرسید. من دلم نیامد به ارشاد زنگ بزنم و بگویم پس چرا این کار اجرا می‌شود؟ چون می‌دانستم احتمال دارد که بروند جلوی آنها را هم بگیرند و من نمی‌خواستم چنین اتفاقی بیفتد. شنیدم که کنسرت آنها به خوبی برگزار شده است. من الان می‌خواهم ماجرا را پیگیری کنم و بپرسم اگر برای ما صلاح نبوده، چرا برای یک عده دیگر صلاح بوده است؟ تازه آن افرادی که آن‌جا اجرا کردند،

اگر همه سازها را هم حرام اعلام کنند عود را نمی‌شود حرام دانست!

صدر مجوز باشد، این برنامه نداشته است. در عین حال ما از طرف دوستانمان و آقای احمدی در آن‌جا پیگیر بودیم. ایشان قبل از این‌که من به شیراز بروم، گفتند «یک روز دو ساعت پشت در اتاق آقای مریدی نشستیم که راجع به این مسأله با ایشان صحبت کنم تا مجوز را بدهند.» بعد از دو ساعت آقای احمدی را نپذیرفتند که با او صحبت کنند. آقای احمدی که پیگیر کارها بودند، گفتند که «ا‌قا اگر شما با جمعه مشکل دارید، اجازه بدهید که ما پنجشنبه اجرا کنیم.» من هم به آقای مریدی در تلفنی که بعد از جوابیه به من زدند، گفتم که «آقای مریدی، ما حتی پیشنهاد پنجشنبه را هم به شما دادیم، اما شما اجازه ندادید.»

به نظر نمی‌رسد سبک موسیقی و نوازندگی و سازبندی شما هم مغایرتی با ماه رمضان داشته باشد. درست است؟ من هم همین موضوع را خدمت‌شان عرض کردم. اگر تمام سازهای دنیا را هم بگویند که یک شائبه‌ای دارد، این یک دانه ساز را حتی در ماه مبارک رمضان در جمهوری اسلامی پخش کرده‌اند. صدای ساز عود را در رادیو و تلویزیون حتی در روزهای عزاداری شما شنیده‌اید که پخش کرده‌اند. حالا ما آمده‌ایم یک برنامه با صدای ساز عود که نه کلام دارد و نه خواننده، ترتیب داده‌ایم. خواننده هم ندارد که شما بگویید باید مجوز شعر گرفته می‌شد. هیچ چیزی که بخواهد توجیبهی برای عدم

